



مدرسه‌های ایرانی در عثمانی

شاهرخ عبدالله‌زاده

کارشناس ارشد تاریخ و تمدن اسلامی

و دبیر آموزش و پرورش شهرستان ماکو

اشاره دولت عثمانی که در سده بیستم میلادی دوران پایانی خود را سپری می‌کرد، در پی غرب‌گرایی در سده‌های اخیر، در عرصه‌های علمی و فرهنگی شاهد ایجاد مؤسسه‌های آموزشی ممالک مختلف بود. این مدرسه‌ها با نهاد‌های گذشته تفاوت داشتند و الگوبرداری از مدرسه‌های اروپایی بودند. ایرانی‌ها نیز مدرسه‌هایی در آن کشور ایجاد کردند. مهم‌ترین نهاد آن‌ها دبستانی بود که در «استانبول» تأسیس شد. ساخت این مدرسه به دلیل اهمیت استانبول به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام، علاقه اتباع ایرانی به فرهنگ و تاریخ بومی جامعه‌ای که در آن ساکن بودند، و ارتباط با گروه‌های سیاسی در عثمانی و فعالیت‌های اجتماعی در آن جامعه، صورت گرفت. نوشتار حاضر در پی شناساندن این مدرسه‌ها، به‌ویژه دبستان ایرانی‌ها در استانبول، کیفیت و برنامه‌های درسی آن، تاریخ اتمام آموزش در مدرسه‌ها، و در نهایت ارائه اسناد به جا مانده از آن دوره است.

واژگان کلیدی: ترکیه، ایران، عثمانی، تاریخ آموزش ایران، دبستان ایرانی استانبول

بررسی تاریخی رابطه ایرانی‌ها و عثمانی‌ها ما را به این نتیجه می‌رساند که حضور ایرانی‌ها در مملکت عثمانی و نقش آن‌ها در عرصه‌های علمی و فرهنگی به قرن ۱۵ میلادی (۹ هجری) برمی‌گردد؛ زمانی که خیل کثیری از علما و دانشمندان ایرانی به مملکت عثمانی مهاجرت کردند؛ عصری که تیموریان بر ایران حکم می‌راندند و به دلایل سیاسی، از جمله بیمناک بودن از ترکمانان قراقویونلو و آق‌قویونلو و وحدت مذهبی آن‌ها با عثمانی‌ها، روابط حسنه‌ای با این دولت برقرار کردند. این روابط و نیز مرادفات علمی در دوره سلطنت سلطان حسین بایقرا فزونی یافت (حیدرزاده، ۱۳۷۶: ۵۰).

بنا به گفته خان ملک ساسانی از تاریخ ۹۲۰ ق ایرانی‌ها به ویژه ترکان آذربایجان یا خودشان کوچ کرده یا بالاجبار به آن دیار کوچانده شده‌اند (ساسانی، ۱۳۵۴: ۱۱۵).

با روی کار آمدن سلسله صفویه و اعلام رسمیت مذهب شیعه در ایران (۹۲۰ ق)، عرصه برای فعالیت‌های علمای سنی مذهب کم‌رنگ شد. در کنار این اتفاق، عواملی چون استقبال و عالم‌پروری برخی از سلاطین عثمانی چون بایزید اول و فراهم بودن بستر مناسب زندگی و فعالیت‌های علمی، باعث کوچ و مهاجرت جمعی از علما و دانشمندان از ایران به عثمانی شد که از آن جمله می‌توان به حکیم‌الدین ادریس بدلیسی (متوفی ۹۲۶ ق)، معروف‌ترین مورخ قرن‌های نهم و دهم قمری در عثمانی، عثمان طیب، پزشک ایرانی دوره سلطان سلیم، عبدالاول قزوینی، محمود بن کمال و محمد قره‌باغی اشاره کرد (همان، ص ۸۶-۸۲). این مهاجرت تأثیر زیادی در انتقال سنت‌های مدرسه‌های ایرانی به سرزمین عثمانی داشت.

لازم به ذکر است که همواره هم‌جواری ایران با عثمانی و نزدیکی فرهنگی، از جمله دلایلی بوده‌اند که باعث حضور تاریخی اهالی ایران در قلمرو عثمانی می‌شدند.

تحولات دوره تنظیمات ۱ که از ۱۸۳۹ م / ۱۲۵۵ ق آغاز شد و نقطه عطفی در تاریخ عثمانی قلمداد می‌شود، باعث گسترش افکار جدید و از همه مهم‌تر تحول در آموزش و پرورش عثمانی شد. از جمله اتفاقات این دوره که هدف پژوهش حاضر بر آن مبتنی است، جریان تأسیس مدرسه‌های جدید توسط اتباع خارجی، بعد از تنظیمات عثمانی و بعدها در دوره ترکیه جدید است. انس و الفت بعضی حکام سرزمین عثمانی، همانند سلطان سلیم با ادبیات منظوم فارسی طی سال‌های متمادی باعث شده بود که همگام با آشنایی با

تمدن جدید و احساس نیاز اتباع ایرانی ساکن در آنجا، فکر تأسیس مدرسه‌هایی که زبان و فرهنگ سرزمین ایرانی را آموزش دهند، شکل بگیرد. این امر با تأسیس مدرسه‌های جدید قوت گرفت (ریاحی، ۱۳۶۹: ۲۴۱). بنابراین از نیمه‌های قرن سیزدهم قمری که مدرسه‌هایی به شیوه جدید دایر شدند، تدریس فارسی در کنار ترکی و گاه فرانسه هم در برنامه‌های درسی گنجانده و جزو برنامه‌های این مدرسه‌ها شد. این اتفاق تا زمانی که الفبای لاتین رسمی و معمول شد، ادامه یافت (حیدرزاده، ۱۳۷۶: ۲۴۲).

مهم‌ترین این درس‌ها سه درس تحفه وهبی، نحه وهبی و لطفیه وهبی بود که کرسی آن‌ها توسط سمبل‌زاده وهبی، عالم و دانشمند وقت برپا می‌شد. وی این درس‌ها را به زبان فارسی ترجمه و تدریس می‌کرد و نقش زیادی در آموزش نوین عثمانی داشت. این کتاب‌ها که در واقع فرهنگ‌نامه آموزشی قلمداد می‌شدند، برای حفظ و آموزش لغات و کلمات (زبان) تدریس می‌شدند. کتاب لطفیه وهبی، کتابی اخلاقی بود. همچنین از جمله مواد درسی دیگر کتاب «گلستان سعدی» بود که بنا به گفته مورخ معاصر ترک، دکتر یحیی آکیوز، تدریس آن تا سال ۱۹۲۸ در ترکیه جاری و جزو درس‌هایی بود که آموزش آن برای دانش‌آموزان مدرسه‌های ابتدایی و متوسطه در عصر مزبور رایج و اجباری بود (Akyuz, 2008: 153).

هدف پژوهش حاضر تبیین و معرفی تاریخچه مدرسه‌های ایرانی فعال در جامعه عثمانی و ترکیه دوره جمهوری به شکل مختصر و مدرسه ایرانی‌های استانبول با تفصیل است. در این تحقیق به نحوه تأسیس این مدرسه‌ها، گسترش آن‌ها و هدف‌های دینی و سیاسی این مؤسسه‌ها، موانع و مشکلات مدرسه‌های مزبور، به ویژه دبستان ایرانی‌های استانبول، طبق گزارش‌های باقی‌مانده از «روزنامه اختر» که مهم‌ترین روزنامه ایرانی عصر قاجار چاپ شده در استانبول بود، پرداخته می‌شود. همچنین برنامه درسی این مدرسه‌ها، شیوه‌های آموزشی آن‌ها، اخذ و پذیرش دانشجو، کارهای مربوط به نظم و انضباط آن‌ها، و مسائل مرتبط با این مدرسه‌ها بررسی می‌شوند. قبل از ورود به بحث اصلی پژوهش که معرفی مدرسه‌های ایرانی فعال در مملکت عثمانی و ترکیه جمهوری و به ویژه دبستان ایرانی‌های استانبول است، مسئله تأسیس مدرسه‌های خارجی در عثمانی و قوانین آن‌ها را ذکر می‌کنیم.

تأسیس مؤسسه‌های آموزشی اتباع خارجی ساکن در مملکت عثمانی

آموزش برای خارجیان حقی بود که از طرف قانون اساسی تدوین شده در عصر تنظیمات به آن اذعان شده بود. بر اساس اطلاعات ارائه شده در منابعی چون آرشیو وزارت خارجه و اسناد موجود در «سازمان ملی آموزش آنکارا»، خارجی‌ها بر حسب خواسته‌هایشان در مدرسه‌های ترکیه تحصیل می‌کردند و این در حالی بود که برخلاف خودترکان، آموزش برای آن‌ها اجباری نبود (Büyükkarcı, 1999: 99).

در قانون اساسی حق تأسیس مدرسه برای خارجیان ساکن در عثمانی نیز داده شده بود. برخی از مدرسه‌ها که در دولت عثمانی از نیمه قرن ۱۸ م / ۱۳ ق شکل گرفتند، تا به امروز در ترکیه با تحولاتی در ساختار و برنامه‌هایشان همچنان فعال هستند. (Akyuz, 2008: 156) این مدرسه‌ها با وجود اینکه به زبان‌های خارجی و غیرترکی آموزش می‌دادند، روزبه‌روز بر تعداد دانش‌آموزانشان افزوده می‌شد. مؤسسه‌های تأسیس شده که بیشتر مدرسه‌های مسیحیان کاتولیک و پروتستان بودند، انتقال‌دهنده فرهنگ و سنن غیراسلامی و غربی نیز در جامعه عثمانی محسوب می‌شدند. این در حالی بود که حدود ۵۰ درصد دانشجویان مدرسه‌های مذکور ترک و طبق اشاره منابع، در تحولات علمی، فرهنگی و سیاسی دوره‌های بعد مؤثر بودند (Çelikel, 1993: 185).

مدرسه‌های خارجی که توسط اشخاص حقوقی خارجی و با پشتوانه مالی آن‌ها تأسیس می‌شدند، با نظام‌نامه عمومی معارف سال ۱۸۶۹ م / ۱۲۸۵ ق به رسمیت شناخته شدند (Altın, 2008: 8). در این میان مدرسه‌هایی که بدون فرمان رسمی دولت مبدأ تأسیس می‌شدند، در سال ۱۹۰۱ م / ۱۳۱۸ ق با رد و بدل شدن نامه‌هایی از طرف دولت عثمانی قانونی اعلام شدند. لازم به ذکر است بیشتر مدرسه‌های فرانسوی از این دست بودند. (Büyükkarcı, 1999: 141)

نکته مهمی که باید در مورد این مدرسه‌ها در اینجا ذکر کرد و مدرسه‌های ایرانی نیز از این قاعده مستثنا نبودند، رعایت مواردی بود که در قانون تعلیمات‌نامه مکاتب خصوصی در رابطه با همه مدرسه‌های خارجی فعال در عثمانی ذکر شده بود. این موارد عبارت بودند از:

۱. آموختن زبان، تاریخ و جغرافیای ترک بر اساس زبان آموزشی مدرسه‌ها؛ ۲. ارائه درس‌های آموزشی

شرح مفصلی درباره جزئیات آن ارائه داد.

۴. مدرسه ایرانی‌های استانبول

مدرسه ایرانی‌های استانبول یا دبستان ایرانی‌ها، مهم‌ترین و تنها مدرسه‌ای از بین این مدرسه‌هاست که منابع اطلاعات بیشتری در مورد آن ذکر کرده‌اند. این مدرسه که تا سال‌های متمادی بعد از سقوط عثمانی در جامعه ترکیه به فعالیت خود ادامه داد، در سال ۱۸۸۴ م / ۱۳۰۱ ق توسط هیئتی از ایرانی‌های مقیم استانبول به سرپرستی حاج شیخ حسین خان معین‌الملک (ساسانی، ۱۰۳) بنا نهاده شد. بنیان مدرسه در محله «چاقماقچیلار» استانبول، واقع در «کاروان سرای والده‌خان» که محل تجمع ایرانی‌ها بود، مکانی شامل دو اتاق را اجاره کرده و تنها با دارا بودن ۹ دانش‌آموز، با معلمی علی‌آقا نامی فعالیت علمی خود را آغاز کرده بودند.

بعدها شخصی به نام حاج‌علی صادقیانی با گذشت زمان و افزایش تعداد دانش‌آموزان و نیز تخصیص مکان مدرسه به بیمارستان (ساسانی، ۱۳۵۴: ۱۰۵)، محلی را در منطقه بایزید استانبول اجاره و مدرسه را به آنجا منتقل کرد. بدین ترتیب این دبستان با نام دبستان ابتدایی ایرانی‌ها به فعالیت خود ادامه داد. بعدها این مکان دچار آتش‌سوزی شد و دبستان به وسیله یک ایرانی متمول ساکن استانبول به منطقه‌ای در محله «دیزداریه چمبرلی‌تاش» در ساختمانی با ۲۴ اتاق که وقف شده بود، منتقل شد و تا سال ۱۹۳۴ م / ۱۳۵۲ ق در این مکان به فعالیت خود ادامه داد (Taşdemirci, ? : 11-12). نکته عجیب اینکه مکان تازه اجاره شده نیز در نتیجه آتش‌سوزی نابود شد و تنها دفتر مربوط به اسامی، توسط یکی از دانش‌آموزان مدرسه بیرون آورده شد. سرانجام از سال ۱۹۳۴ م / ۱۳۵۲ ق باردیگر تاجری ایرانی (حاج‌رضا قلی خراسانی) دبستان را به منطقه سلطان‌احمد استانبول انتقال داد و در آنجا مدرسه را دایر کرد (Haydaroglu, 1992: 159).

دبستان ایرانی‌ها توسط جمعی از اتباع ساکن مملکت عثمانی اداره می‌شد که اسامی آن‌ها بدین قرار بود: حاج‌محمود آقا، حاج‌علی‌آقا، هادی بیگ، حاج‌میرزا عبدالکریم و جمعی از ایرانی‌های ثروتمند استانبول و اولین نماینده و مدیر آن حاج‌رضا قلی خراسانی بود (ساسانی، ۱۳۵۴: ۵۵).

این مدرسه که از زمان تأسیس در ۱۸۸۴ م / ۱۳۰۱ ق به شکل غیررسمی فعالیت می‌کرد،

به دلیل نبود اطلاعات در مورد این مدرسه در منابع، هیچ‌گونه اطلاعاتی در مورد کیفیت آموزشی آن، سطح آموزشی، ظرفیت دانش‌آموزان و حتی تاریخ دقیق ساخت آن موجود نیست و منابع تقریباً اطلاعی در مورد مدرسه مذکور ندادند.

۲. مدرسه حسینی

مدرسه مهم و قابل ذکر دیگر ایرانی‌ها بود که توسط «جمعیت ایرانی انجمن مساوات» در کربلا تأسیس شده بود. بر اساس اسناد «آرشیو تاریخ عثمانی»، مکتب حسینی متشکل از سطح‌های آموزشی ابتدایی، رشدیه و اعدادی می‌شد. شاید مهم‌ترین نکته قابل ذکر در مورد این مدرسه، سندی است که در آرشیو نخست‌وزیری ترکیه موجود است. موضوع این سند تقاضانامه‌ای است که به خاطر افتتاح این مدرسه توسط انجمن مساوات ایران در کربلا نگاشته شده و بر جای مانده است.

در زیر ترجمه تقاضانامه چنین آمده است:

نظارت عمومی معارف / مدیریت تحریرات /

شماره خصوصی: ۱۰۷۶ - عمومی: ۱۵۵۷

حضور سمیع جناب صدارت پناهی

تقاضانامه‌ای از طرف چاکرانش

«در سنجاق (ولایت) کربلا از طرف انجمن مساوات ایرانی‌های مقیم برای تأسیس مدرسه‌ای موسوم به حسینی در سه سطح ابتدایی، رشدیه و اعدادی اجازه و رخصت طلبیده و بالمخابره از طرف تحریرات رسیده از بغداد برای ساخت بنای مدرسه و تعیین مدیر و معلمان صالح برای آنکه تنظیم رخصت‌نامه برای تأسیس آن در پی موافقت حضرت صدارت پناهی بوده که امید است با قدوم ایشان و فرمان صاحب‌الامرا این مهم میسر گردد.» شعبان سال ۱۳۲۸ ق / آگوست ۱۹۱۰ (دایره آرشیو مرکزی عثمانی)

۳. دبستان احمدیان

در اسناد موجود آرشیو ملی آموزش عثمانی، سندی از وجود مدرسه‌ای در استانبول در سال ۱۹۱۶ م / ۱۳۳۴ ق حکایت می‌کند. این مرکز آموزشی که نامش دبستان احمدیان استانبول آورده شده، دارای چهار کلاس ابتدایی و یک کلاس رشدیه بوده است. مدرسه مزبور در کنار مزار فضلی‌پاشا و در محل «دبستان اتریشی سنت جرج» استانبول ایجاد شده بود (Büyükkarcı, 1999: 28)، متأسفانه به علت فقدان اطلاعات جامع در منابع و تواریخ به جا مانده، نمی‌توان

این مدرسه‌ها، اسامی نویسندگان کتاب‌های آن‌ها، ناشر و محل نشر آن‌ها؛ ۳. مشخص شدن معلمان، هویت آن‌ها و محل فارغ‌التحصیلی آنان؛ ۴. بازبودن همه‌روزه درهای مدرسه‌ها به جز روزهای تعطیل.

این قوانین بعدها در دوره جمهوری به تصویب وزارت ملی آموزش (MEB) رسید. اما آئین‌نامه جدید تصویب شده در تاریخ ۱۹۳۵/۱۱/۷ میلادی، قوانینی وضع کرد که مهم‌ترین آن‌ها بدین قرار بود: ۱. هیچ یک از مدرسه‌های خارجی نمی‌تواند شعبه‌ای دیگر بزند.

۲. در مدرسه‌های خارجی نباید از نو مدرسه‌های ابتدایی ایجاد شود.

۳. تعداد کلاس‌های این مدرسه‌ها که در نظارت خانه معارف ثبت شده‌اند، افزایش نمی‌یابد (همان، ص ۱۷-۱۸).

مدرسه‌های ایرانی‌ها

بر اساس آثار و اسناد باقی‌مانده از قرن ۱۹ م / ۱۳ ق، ایرانی‌های بسیاری در عثمانی و به ویژه در شهر استانبول با هدف‌های سیاسی، فرهنگی، تجاری و علمی حضور فعال داشته‌اند. از دید بسیاری از علما، روشنفکران و تجار ایرانی، استانبول شهری بسیار جذاب بود (قرقلو، ۱۳۸۰: ۳).

موقعیت راهبردی این شهر به عنوان دریاچه‌ای رو به غرب و افکار جدید و نیز پایتخت دیرینه خلافت اسلامی باعث سرازیر شدن اقوام و ملل گوناگون، به ویژه ایرانی‌ها به آنجا شده بود. حضور ایرانی‌ها در استانبول در زمینه سیاسی - فرهنگی، با انتشار روزنامه‌های اختر، سروش و جراید دیگر پررنگ بود. در زمینه علمی هم نقش بارز ایرانی‌ها در ایجاد مدرسه از نیمه قرن ۱۸ م / ۱۳ ق در عثمانی و بعدها دوره ترکیه جمهوری جلوه‌گر بود. ایرانی‌ها همانند سایر دولت‌های خارجی ساکن در اراضی کشور عثمانی، مدرسه‌های متفاوتی تأسیس کرده بودند. این مدرسه‌ها در چهار مرکز اصلی بودند (Büyükkarcı, 1999: 25). مهم‌ترین آن‌ها دبستان ایرانی‌های استانبول بود. در اهمیت این دبستان همین بس که فعالیت آن تا سال‌ها بعد از انحلال امپراتوری عثمانی تا تشکیل جمهوری ترکیه نیز ادامه داشت. در ادامه به بیان اطلاعاتی درباره این مدرسه‌ها می‌پردازیم:

۱. دبستان اخوت

یکی از مدرسه‌های ایرانی در بغداد بود. فعالیت آن تا سال ۱۹۱۰ ادامه داشت (Polat, 1992: 156).

در سال ۱۹۵۸ م/ ۱۳۷۷ ق، از طرف دولت ترکیه تصدیق و به رسمیت شناخته شد. با وجود این تا تاریخ مذکور نیز مدرک فارغ‌التحصیلی آن مانند سایر مدرسه‌های ابتدایی فعال در جامعه عثمانی پذیرفته می‌شد. مدرسه نیز با گذشت زمان، تقریباً از همه نوع لوازم تحصیل و امکانات آموزشی لازم برای یک مدرسه ابتدایی برخوردار شده بود (Osmanlı Arşiv Daire Başkan- (İlği, 2010:530). با تشکیل جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، مدرسه به کنسولگری دولت ایران سپرده شد و از این تاریخ نام مدرسه به «مدرسه ابتدایی جمهوری اسلامی ایران» تغییر یافت. مدرسه مجدداً در ۱۹۸۵/۶/۱۵ طعمه حریق شد، اما در همان سال وزارت آموزش ترکیه آن را بازسازی کرد و فعالیت آموزشی آن از سر گرفته شد. دولت لاییک ترکیه به مسئولان مدرسه به دلیل استفاده نکردن از کارمندان ترک در پست‌های اداری آن مانند مدیریت، معاونت و حتی معلمان، انجام امور بدون اجازه وزارت علوم، مطابقت نداشتن لباس‌های مورد استفاده در مدرسه (چه از سوی کادر اداری و چه دانش آموزان) با قوانین رسمی ترکیه، و نقص وسایل و ملزومات آموزشی، سه بار هشدار داد. پس از آن، دانش آموزان این مدرسه از امتیازات سایر مدرسه‌ها، مانند راهپایی به دانشگاه‌های ترکیه، محروم شدند و مدارک آن‌ها نیز پذیرفته نشد. سرانجام این مدرسه در سال ۱۹۹۰ م به علت تعیین و تأیید نشدن معلمانش از سوی وزارت علوم ترکیه و همکاری نکردن با آن وزارتخانه تعطیل شد.

از دیگر منابعی که اطلاعات نسبتاً جامعی درباره این مدرسه ارائه کرده، سندی است در آرشیو وزارت آموزش و پرورش ترکیه به تاریخ ۱۹۵۱ م/ ۱۳۷۰ ق که در قالب یک نظام‌نامه مدون درباره دبستان ایرانی‌ها، معلمان، مدیر، برنامه درسی، مسائل مربوط به نظم و انضباط، برنامه‌های درسی دانش آموزان و مسائل مرتبط با نظام آموزشی مدرسه اطلاعاتی را عرضه کرده است (Haydaroglu, 1992: 165-168). این نظام‌نامه در ۱۰۲ ماده تنظیم شده و همه امور مربوط به اداره مدرسه، شرایط ثبت نام، شرایط دانش آموزان و معلمان، روش تدریس و مواد درسی در آن منظور شده‌اند؛ به طوری که هرکسی به خوبی و روشنی تکلیف خود را می‌دانست. طبق موادی از این نظام‌نامه، مدت تحصیل در مدرسه هشت سال بود و فارغ‌التحصیلان شهادت‌نامه (مدرک)

می‌گرفتند و به کار می‌پرداختند.

مهم‌ترین مواد این نظام‌نامه عبارت بودند از: ماده ۱: دبستان ایرانی‌ها یک مؤسسه آموزشی شش ساله و وظیفه آن آماده کردن و فرستادن دانش آموزان به مدرسه‌های متوسطه است. ماده ۲: مواد درسی مدرسه و موضوع‌های آن و همچنین برنامه درسی و تقسیم ساعات هفتگی آن توسط وزارت ملی آموزش تدوین می‌شود. ماده ۳: وظیفه مدیر است که برای انتخاب معلمان درس‌های زبان و فرهنگ ترکی، علاوه بر معلمان موجود، فهرست اسامی آن‌ها را برای اخذ گواهی استخدام به مرکز ارسال دارد.

ماده ۴: مدیر در اداره مدرسه و امور مربوط به انضباط آن، اجرای قوانین و مسائل مربوط به آن مسئول است.

ماده ۲۵: معلمان بایستی در مورد اجرای هرچه بهتر آموزش در مدرسه، تعیین مدیر و وظایف آن با هم بحث کنند و نظرات خود را در مواردی که اجرای آن‌ها را برای مدرسه لازم می‌بینند، اعلام کنند. ماده ۲۶: معلمان باید در مورد مسائلی چون برنامه درسی، لوازم آموزشی، برنامه ریزی برای انجام هرچه بهتر تکالیف دانش آموزان، و حضور و غیاب آن‌ها تبادل نظر کنند و برای بهبود کیفیت آموزشی و اجرایی کردن خواسته‌های خود، آن را با مدیر مدرسه در میان بگذارند.

ماده ۲۷: مدارک لازم برای ثبت نام در این مدرسه عبارت‌اند از: برگه اقامت، گواهی سلامت پزشکی، عکس.

ماده ۳۰: مدرسه در ماه «ایلول» (ماه ترکی) آغاز می‌شود و در ماه «ماییس» (ماه ترکی) پایان می‌یابد. ماده ۳۴: دانش آموزان موظف‌اند به طور پیوسته و فشرده در کلاس‌های درس حضور یابند.

ماده ۳۵: معلم باید کیفیت درس دانش آموز و نیز حضور و غیاب او را در نظر داشته باشد و او را مورد تقدیر و یا تنبیه قرار دهد. ماده ۳۶: معلمان موظف‌اند تکالیف خارج از مدرسه دانش آموزان را تهیه کنند و به آن‌ها بدهند. نمونه‌های این تکالیف باید ثبت شوند و نیز بایستی مشکلات بیرون از مدرسه دانش آموزان که از انجام تکالیف آن‌ها جلوگیری می‌کند، رفع شوند. در روزهای تعطیل و عید تکلیفی به آن‌ها داده نمی‌شود. برای جلوگیری از انباشت تکالیف دانش آموز، معلمان باید در این زمینه برنامه ریزی کنند. باید دانش آموزان را به انجام تکالیف به شکل منظم، تمیز و با اشتباه کمتر عادت دهند.

ماده ۳۸: برای آموزش زبان و فرهنگ ترکی و

نیز امتحانات آن، از مدرسه‌های خارجی به شکل ویژه و مخصوصی باید استفاده شود.

در نهایت مهم‌ترین مسئله قابل ذکر و موجود در مورد این مدرسه، قانون‌نامه‌ای است که در تاریخ ۲۳ تموز ۱۹۵۳ م از طرف وزارت آموزش و پرورش ترکیه برای برنامه درسی مدرسه ایرانی‌ها صادر شد که مفاد و برنامه اعلام شده بر حسب ساعات درسی بدین ترتیب است:

آموزش زبان به شکل اجباری باید در برنامه درسی زبان مدرسه ایرانی‌ها گنجانده و تدریس شود. اما این برنامه درسی برای پنج کلاس ترتیب داده شده بود:

کلاس ۱. حساب سه ساعت، موسیقی یک ساعت، تربیت بدنی یک ساعت، ترکی ده ساعت، دستور زبان فارسی سه ساعت.

کلاس ۲. ترکی هفت ساعت، فارسی ده ساعت، حساب سه ساعت، موسیقی یک ساعت، تربیت بدنی یک ساعت.

کلاس ۳. ترکی هفت ساعت، فارسی شش ساعت، جغرافیا دو ساعت، تاریخ دو ساعت، مکالمه دو ساعت، ریاضی سه ساعت، درس‌های دینی یک ساعت، نگارش ترکی و فارسی یک ساعت، نقاشی یک ساعت، موسیقی یک ساعت، تربیت بدنی یک ساعت.

کلاس ۴. ترکی شش ساعت، تاریخ دو ساعت، جغرافیا دو ساعت، فارسی سه ساعت، جغرافیا یک ساعت، تاریخ دو ساعت، مکالمه و نگارش یک ساعت، دستور یک ساعت، موسیقی یک ساعت، تربیت بدنی یک ساعت.

کلاس ۵. زبان ترکی شش ساعت، تاریخ دو ساعت، جغرافیا دو ساعت، فارسی شش ساعت، جغرافیا چهار ساعت، تاریخ یک ساعت، ریاضی سه ساعت، موسیقی یک ساعت، تربیت بدنی یک ساعت، درس اشیا یک ساعت، مکالمه و نگارش یک ساعت، علم ایران‌شناسی یک ساعت (Büyükkaracı, 23-29).

در کنار این برنامه، دختران در هفته یک ساعت آموزش دوزندگی می‌دیدند (Akyuz, 2008: 169).

همچنین شایان ذکر است که سید احمدخان ملک ساسانی که از دیپلمات‌های عصر قاجار بود، در سال ۱۲۹۷ ق به عنوان کارمند ارشد در کنسولگری ایران در استانبول گمارده شد. وی بخشی از کتاب یادبودهای سفارت استانبول خود را به توصیف مدرسه ایرانی‌های استانبول اختصاص داده است. از نوشته‌های خان ملک ساسانی در

آن را نمی‌کند. امر ادارهٔ مدرسه منحصر به اعانه غیرتمندان ملت است. در آغاز کار مقدار اعانه معین و بدان میزان هم مخارجی برآورده شده بود؛ حال آنکه در ثانی بسیاری از اعانه‌دهندگان پای همت پس کشیده، به ترک فتوت رفته‌اند و اکنون خرج دو مقابل دخل است. بدیهی است که با این حال از بقا، دوام و ترتیب انتظام آن اطمینان حاصل نتواند شد؛ که این یکی موجب تأسف و تأثر است که در شهر پایتخت بزرگی مانند اسلامبول و این همه کثرت هم‌وطنان که به حمدالله اغلب صاحب ثروت و مکتب هستند،

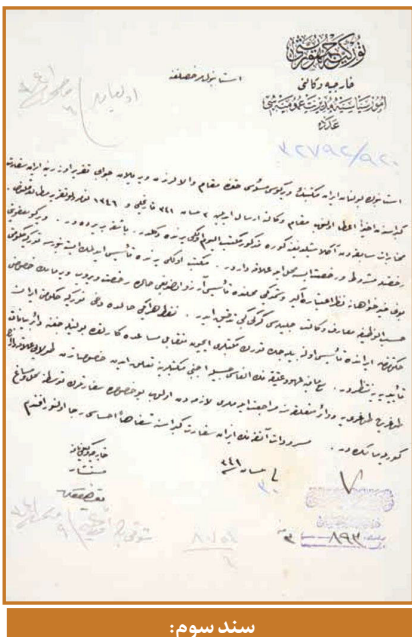
در پایان گزارش‌هایی از مدرسهٔ ایرانی‌های استانبول که در روزنامهٔ اختر چاپ استانبول منتشر شده و حاوی نکات مهمی دربارهٔ مدرسه است، ارائه می‌شود. در شمارهٔ ۳۴ شعبان ۱۳۱۱ اختر آمده است: «اساس و پروگرام این مدرسه از روی مکاتب اعدادیه برداشته شده است» (اختر، ۵۰۲). در شمارهٔ دیگر آن اشاره شده است: «وضع دبستان نه بروفق آرزوی ملت پرستان است» (همان، ۵۰۶). چندی بعد در این روزنامه اعلام می‌شود که صنف غیرتمند تنباکوفروشان ایرانی مقیم استانبول برعهده می‌گیرند که جهت تأمین مخارج دبستان، سالی ۶۰۰ عدد مجیدی نقره پیشکی در اختیار ادارهٔ دبستان بگذارند (رئیس‌نیا، ۱۳۷۴: ۸۲۶-۸۲۵).

از لابه‌لای گزارش‌های روزنامهٔ اختر چنین فهمیده می‌شود که وضع مالی مدرسه چندان بسامان نبوده است، به طوری که مدیر روزنامهٔ اختر که در سال ۱۳۰۵ ق در یکی از جلسات انجمن ادارهٔ دبستان شرکت کرده است، چنین گزارش می‌دهد: «وضع مدرسه خیلی درهم و پریشان است. وجهی که به عنوان اعانه از جانب غیرتمندان ملت داده می‌شود، کفاف مخارج

توصیف مدرسه این‌طور برمی‌آید که نقش و تأثیر آموزشی مدرسه کم‌رنگ شده و در زمان وی بیشتر به مکانی تشریفاتی و خالی از وجههٔ آموزشی لازم و تأثیرگذار تبدیل شده بود. در بخشی از خاطرات وی چنین آمده است: «در این ایام که سال ۱۳۳۵ قمری بود، دبستان ایرانی‌ها فقط یک کلاس داشت که ۱۴ شاگرد در آن عمه جزء می‌خواندند. این اطفال بینوا در استانبول متولد شده بودند و هیچ‌کدام فارسی نمی‌دانستند. مابین خودشان هم ترکی حرف می‌زدند.

ناظم و معلم دبستان یک درویش مولوی است که روزی چند ساعت به خیال خودش نی می‌زند و اشعار مثنوی می‌خواند. اطفال ایرانی همه به مدارس محلی می‌روند. زبان فارسی که نمی‌آموزند سهل است، تحت تأثیر کتب تبلیغاتی عثمانی‌ها از ایرانیان دلسرد و از ایران بیزار می‌شوند. ساختمان مدرسه اتاق بسیار دارد که همهٔ آن‌ها خالی و بلامانع است. متولیان ملت، کدخدایان اصناف و سران اوباش ایرانی هرشب که از رفتن به خانه معذوزند، شب را با جمیع لوازم طرب در مدرسه می‌گذرانند و...» (ساسانی، ۱۳۵۴: ۱۰۴).

گزارش‌های روزنامهٔ اختر



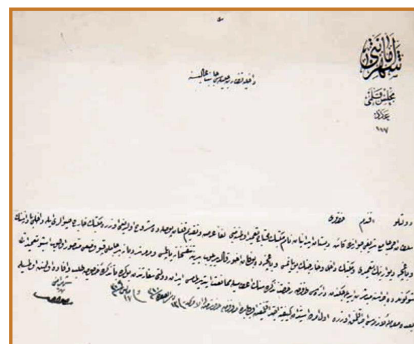
سند سوم:

معافیت مالیاتی مدرسهٔ ایرانی واقع در استانبول

جمهوری ترکیه / وکالت خارجی / مدیریت عمومی امور سیاسی / شمارهٔ ۹۲۰-۳۲۷۹۲

در باب معافیت مالیاتی مدرسهٔ ایرانی‌ها واقع در استانبول و درخواست مقامات سفارت ایران در این مورد و جوابی که داده شده به تاریخ ۳ نisan ۱۳۴۱ ق، تقریر آن مورد مطالعه قرار گرفت. امروز مدرسهٔ مذکور واقع در آن مکانی نیست که در مذاکرات سابقه مد نظر بوده است. در جایی دیگر است. رخصت این مسئله مشروط می‌باشد، چراکه مدرسه در مکان قبلی نبوده و بررسی مسئله باید به وکالت جلیله معارف واگذار گردد. در حال دولت ترکیه منتظر تأییدات دولت ایران برای ساخت و ایجاد مدارس ترک در سرزمین ایران می‌باشد. مشروطات مذکور به شکل شفاهی خدمت مقامات کبیر سفارت ایران اعلان خواهد شد. نisan ۱۳۴۱ ق مطابق با ۱۹۲۵ میلادی به نام وکالت خارجی / مستشار توفیق

(Osmanli Arşiv Daire Başkanlığı, 2010: 642-643)

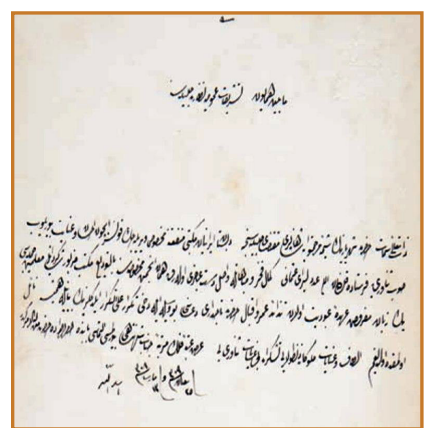


سند دوم:

مربوط به اجازهٔ تعمیرات در دبستان ایرانی‌ها شهرامانتی / مجلس کالمی (قلم‌خانهٔ مجلس) / شمارهٔ ۳۱۷

خدمت جناب عالی، ناظر جلیلهٔ داخلی، مبنی بر اینکه دبستان موسوم به ایرانی‌ها واقع در سلطان‌احمد نیازمند تعمیرات دیوار خارجی مدرسه و نیز دیوار و بدنهٔ داخلی صحن آن بوده و همچنین نیاز به برداشتن آخور حیاط آن و ایجاد تنفس‌خانه به جای آن برای دانش‌آموزان و رنگ‌آمیزی دیوار مدرسه بوده و خواستار اجرای آن از طرف سفارت دولت ایران بوده و در نهایت امر و فرمان با حضرت صاحب‌الامر می‌باشد.

۱۳ ذی‌القعده سال ۱۳۱۰، مطابق با ۲۹ مارس ۱۸۹۳ (Osmanli Arşiv Daire Başkanlığı, 2010: 282).



سند اول:

تشکر از شاه قاجار برای کمک مالی به کنسرت موسیقی

خدمت نظارت جلیلهٔ تشریفاتی عمومی همایونی / ذات متعالی سمت حضرت شهریار و مقتضی احوالات جلیلهٔ ایشان، احسان و عنایت ایشان جهت انجام کنسرت موسیقی برای کمک به دبستان ایرانی‌ها به مبلغ پنجاه لیبرهٔ عثمانی به دانش‌آموزان و معلمان مدرسه کرده که باعث دعای حضرت یکدل و یک‌زبان در این جمع شده در جهت تزاید عمر ایشان و تشکرات فراوان از حضرت پادشاهی نموده و در نهایت امر و فرمان با حضرت است.

۲۵ شعبان ۱۳۰۹، مطابق با ۲۵ مارس ۱۸۹۲.

این کار مقدس مهمل و متروک ماند. هرگاه ماهی هرکدام بدون استئنا پنج قروش اعانه بدهند، عمل اداره دبستان را بالغایت کفایت خواهد نمود...» (اختر، ۱۱۹). نکته جالب اینکه طبق اسناد باقی مانده در مورد اداره مدرسه و تأمین بودجه آن، بنا به سنتی که چند سال پس از تأسیس دبستان متداول شد، کنسرت موسیقی در سالن سفارت ایران کنسرت موسیقی ترتیب می یافت و در این برنامه گروهی از نوازندگان مخصوص همایونی شرکت می کردند. آگهی اجرای این برنامه خیریه در اختر داده می شد. این برنامه معمولاً با حضور کارمندان عالی رتبه سفارت خانه های دولت های دیگر، رجال و دولتمردان عثمانی و تجار ایرانی مقیم استانبول که تعدادشان بالغ بر ۴۰۰ نفر می شد، اجرا و همه درآمد حاصل از آن در اختیار انجمن اداره کننده دبستان گذاشته می شد. طبق گزارش های روزنامه اختر این برنامه به ابتکار معین الملک متداول شده بود و بعد از او در زمان سفرای دیگر مثل میرزا اسدالله خان ناظم الدوله دیبا و میرزا محمودخان علاء الملک دیبا نیز برگزار شد (رئیس نیا، ۱۲۸۰).

همین روزنامه گزارش می دهد که همه ساله در پایان سال تحصیلی با حضور تعدادی از مقامات سفارتی و عده ای از رجال عثمانی و تجار ایرانی، مراسمی برای توزیع جایزه به دانش آموزان این مدرسه منعقد می شد. در این گزارش آمده است: «صنف غیرتمند کتاب فروشان ایرانی، به مناسبت توزیع مکافات پیش از وقت، هرکدام به اقتضای غیرت ملی و ترقی خواهی چند جلد کتاب به اداره دبستان فرستاده بودند، به شاگردانی که استحقاق مکافات دارند، هدیه شود...» (اختر، ۵). قابل ذکر است که این روزنامه هیچ اشاره ای به واقعه آتش سوزی رخ داده در این مدرسه نکرده است و فقط در شماره ۳۲ سال ۱۳۱۲ ق خود اشاره می کند که به اثر زلزله شدیدی که شهر استانبول را به لرزه درآورد، دبستان مدتی به خاطر شکستگی که در بنای آن ایجاد شده بود، تعطیل و بعد از تعمیرات لازم در آن، در اواسط ربیع الاول همان سال باز شد (همان: ۳۳).

در پایان سه سند موجود در آرشیو نخست وزیری ترکیه در رابطه با دبستان ایرانی های استانبول جهت تکمیل بحث آورده می شود. این اسناد که در سال ۲۰۱۰ از طرف اداره آرشیو عثمانی به سرپرستی دکتر یوسف سارینای تهیه و ارائه شده، گزارش هایی را در روابط بین دو کشور در قالب دستورات و نامه ها ثبت و ارائه کرده است.

نتیجه

در جامعه عثمانی اتباع خارجی دولت های متعدد با هدف های گوناگون به تأسیس مدرسه ای اقدام

پی نوشت

۱. تنظیمات خیریه، به نهضت نوگرایی و اصلاح طلبی در ساختار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه عثمانی در سده ۱۳/۱۹ م اطلاق می شود. این دوره با صدور خط همایون یا فرمان تنظیمات خیریه در ۲۵ شعبان ۱۲۵۵ ق/ ۳ نوامبر ۱۸۳۹ م آغاز شد (شاه، ۱۱۵/۲). به هر روی، تنظیمات دوره ای از قانون گذاری و اصلاح گرایی است که جامعه عثمانی را نوسازی کرد و از سلطه نهاد های سنتی رها ساخت و به برقراری نظام جدید که غالباً برگرفته از فرهنگ غرب بود، رهنمون شد (شاه، ۱۱۷/۲). عبدالمجید در ادامه سیاست محمود، با صدور فرمان تنظیمات، رهبری جنبش اصلاح طلبی را به دست گرفت. طراح و معمار تنظیمات، مصطفی رشید پاشا، دولتمرد روشن فکر و ترقی خواه عثمانی است. وی که به پدر تنظیمات شهرت دارد، همراه با یارانی مانند عالی پاشا، فؤاد پاشا و احمد جودت که به تنظیمات چپان معروفند، جریان اصلاح طلبی را پی گرفت (شاه، ۱۱۲/۲-۱۱۴، ۱۱۸-۱۲۲). رشید پاشا سلطان عبدالمجید را به صدور فرمان اصلاحات و تنظیمات جدید سیاسی و نظامی و اجتماعی واداشت. سرانجام فرمانی به قلم او صادر و توسط رشید پاشا قرائت شد. متن فرمان روز یکشنبه ۲۵ شعبان ۱۲۵۵ ق/ ۳ نوامبر ۱۸۳۹ م در پارک گلخانه کاخ توپکابی و در حضور پادشاه، وزرا، علما، مأموران عالی رتبه لشکری و کشوری، نمایندگان اصناف و معتمدان، اسقف کلیساهای ارمنه و یونان، خاخام یهود، سفرا و نمایندگان کشورهای خارجی و گروهی از مردم خوانده شد (شاه، ۱۱۵/۲). به همین سبب فرمان تنظیمات، به «خط شریف گلخانه» نیز معروف است.

منابع

۱. هامرپورگشتال، یوزف (۱۳۶۸). تاریخ امپراتوری عثمانی. ترجمه میرزاکی علی آبادی. به کوشش جمشیدکیان فر. تهران.
۲. حیدرزاده، توفیق (۱۳۷۶). «مهاجرت علمای ایران به امپراتوری عثمانی»، فصلنامه علمی- پژوهشی فرهنگ. سال دهم. شماره اول. بهار.
۳. رئیس نیا، رحیم (۱۳۷۴). ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم. انتشارات ستوده. تبریز.
۴. شاه، استانفورد جی و ازل کورال (۱۳۷۰). تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید. ترجمه محمود رمضان زاده. آستان قدس. مشهد.
۵. ساسانی، خان ملک (۱۳۵۴). یادبودهای سفارت استانبول. بابک. تهران.
۶. ریاحی خوبی، محمدمبین، ۱۳۶۹، زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، پازنگ، تهران.
۷. قرقلو، کیومرث، ۱۳۸۰، ایرانی های استانبول، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، آبان.
۸. تبریزی، محمدطاهر، (۱۲۹۲). اختر (روزنامه) کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. تهران.

9. Yahya, Akyüz (2008). *TürkEğitimTarihi*. Pegem Akademi, Baski13. Ankara.
10. – Büyükkarcı, Süleyman (1999). *osmanli devletindeirano kullari*, Selçuk Üniversitesi.
11. çelikel, Aysel (1993). *Yabancılar hukuku*, 6 baski, Istanbul.
12. Altin, (2008). *Maarif-i UmumiyeNizamnamesi*. Üniversitesi İlahiya Fakültesi Dergisi. Ankara.
13. Haydaroglu, İknur Polat (1992), *Osmanli İmparatorluğu'nda Yabancı Okullar*, Ocak Yayınları.
14. Başkanlığı, Osmanli Arşiv Daire (2010). *Arşiv Belgelerinde İran Osmanlı İlişkileri*, Ankara.
15. Taşdemirc, *Türk Eğitim Tarihinde Azinlik Okullari Ve Yabancı Okullari*, Erciyes Üniversitesi Fen-Edebiyat Fakültesi, Eğitim Bilimleri.